

**Received:** 2024/2/23  
**Accepted:** 2024/4/28  
from 1 to 20

**Monavar Fattahi**

Ph.D. student of the Quranic and Hadith Sciences, Ilam University  
m.fattahi5785@gmail.com

**Sohrab Morovati**

Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, (corresponding author).  
s.morovati@ilam.ac.ir

**Seyed Mohammad Reza Hoseininia**

Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University  
m.hoseininia@ilam.ac.ir

**Behrouz Sepidnameh**

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Ilam University  
b.sepidnameh@ilam.ac.ir

**Keywords:**

inner supervision, social behaviorism, exchange theory, George Homans

## Analyzing the concept of internal control in the Qur'an and Hadith (with a view on George Homans' exchange theory)

### Abstract

Internal supervision is a form of self-care that reflects an individual's ability to control their internal behaviors and external actions, guiding them in their conduct. The importance and necessity of self-control are emphasized in both the Qur'an, with the verse "Move not your tongue with it to hasten with the recitation of the Qur'an," and in the Hadith, with the saying Imam Ali emphasizes the importance of self-control by likening anger to a burning fire that can be extinguished through suppression. This notion of self-control is viewed as a means of internal care, involving the regulation and observation of one's actions and thoughts. The study aims to examine the various dimensions of internal control as outlined in the Qur'an and Hadith, as well as the strategies for achieving it. Additionally, it seeks to compare these dimensions with Homans's theory on self-control. The purpose of this study was to examine the dimensions of internal control in the Qur'an and Hadith, the strategies for its implementation, and the comparison of George Homans's theory with these dimensions. The findings reveal that Homans' perspective, rooted in utilitarian principles, emphasizes reward exchange among actors and is based on the concepts of "tendency towards goodness" and "rationalism" in human behavior. The theory posits three general propositions - success, stimulus, and deprivation - indicating that human behavior and self-control are influenced by the prospect of gain or loss. In contrast, the Quran and Hadith emphasize internal supervision as a key pathway to spiritual salvation. By juxtaposing Homans' exchange theory with the principles of self-control in these religious texts, we can glean insights into the mechanisms of self-regulation and personal growth. In conclusion, a dual strategy comprising cognitive and behavioral approaches is proposed for achieving self-control. Homans' behaviorism offers a unique perspective on human behavior, asserting that psychological phenomena can be elucidated through behavioral analysis. By integrating cognitive and behavioral components, individuals can enhance their internal strength and external resilience, fostering a proactive stance towards self-control.

## واکاوی مفهوم نظارت درونی در قرآن و حدیث (با رویکردی بر نظریه مبادله جورج هومنز)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۴  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۹  
از صفحه ۱ تا صفحه ۲۰

### چکیده

نظارت درونی نوعی مراقبتی درونی و بیانگر استعداد فردی در کنترل ارادی رفتار درونی و برون دادهای رفتاری است که فرد را به انجام رفتار هدایت می‌نماید. در آیه قرآنی «لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» و حدیث «الغضبُ نارٌ مُوقَّدة، مَنْ كَظَمَهُ أَطْفَأَهَا» از امام علی<sup>(ع)</sup> بر اهمیت و ضرورت نظارت درونی، به عنوان راهی برای مراقبت درونی و به معنای نظارت فرد بر خود و اعمال و افکار خود، بسیار تأکید شده است. این مقاله با هدف مطالعه ابعاد نظارت درونی در قرآن و حدیث، راهبردهای تحقق آن و مقارنه نظریه جورج هومنز با ابعاد یاد شده نگارش یافته است روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش مؤید آنند که دیدگاه هومنز متأثر از مکتب سوداگرایی و شامل کنشگرانی است که در حال مبادله پاداش هستند و متکی بر دو اصل کلی «گرایش به نیکی» و «خردگرایی» است. وی، سه قضیه کلی بیان کرده که بیانگر ابعاد این نظریه است، موفقیت، محرک و محرومیت، بُن‌مایه این نظریه گواه آن است که سود و زیان مبنای کنش انسان‌ها است، از سویی دیگر درقرآن بر نظارت درونی به عنوان دستیابی به رستگاری تأکید شده است؛ در این مطالعه قضایای برخاسته از نظریه مبادله هومنز با ابعاد نظارت درونی در قرآن و حدیث مقایسه شده‌اند. نتیجه: با بررسی منابع قرآنی برای نیل به خود کنترلی، دو راهکار ترسیم شده است، الف: شناختی ب: رفتاری هومنز مبتکر دیدگاهی است که به رفتارگرایی شتبار دارد و معتقد است که پدیده‌ها را می‌توان با قضایای روانشناختی تبیین کرد؛ مؤلفه‌های شناختی قدرت درون را افزایش می‌دهد و مؤلفه‌های رفتاری، توان برون را تقویت می‌نماید که عامل گسیل شدن انسان به سمت نظارت درونی است.

### منور فتاحی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام  
m.fattahi5785@gmail.com

### سهراب مروتی

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام، (نویسنده مسئول).  
s.morovati@ilam.ac.ir

### سیدمحمدرضا حسینی نیا

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام  
m.hoseininia@ilam.ac.ir

### بهروز سپیدنامه

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام  
b.sepidnameh@ilam.ac.ir

### واژگان کلیدی:

نظارت درونی، رفتارگرایی اجتماعی، نظریه مبادله، جورج هومنز

انسان به عنوان خلیفه‌الله در بین مخلوقات الهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث ائمه<sup>(ع)</sup> به انسان اختصاص داده شده و در مورد ابعاد وجودی انسان دستورات عمل‌های جامع و کاملی صادر شده؛ و در آن به ابعاد مختلف درونی او پیرامون خلقت وجودیش پرداخته‌اند یکی از ابعاد وجودی انسان بعد نفسانی است، که دارای مراتب و درجاتی است، که با کنترل و یا عدم کنترل نفس انسان می‌تواند زمینه سعادت یا شقاوت وی را فراهم نماید. در این زمینه یکی از اوامر الهی کنترل نفس او، از معاصی و دوری از پلیدی است، بر اساس آیات الهی، انسان موظف است قبل از هرکس خودش به اعمال و رفتارشان نظارت داشته باشد تا بتواند براساس شاخص‌های دینی رفتار خود را کنترل و اصلاح نماید شاهد مثال آیه «كُلْ نَفْسٍ مِمَّا كَسَبَتْ رَهِيئَةً» (مدثر: ۳۸)؛ هرکس در گرو اعمال خویش است. امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز در تفسیر آیه «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (الرحمن: ۴۶)؛ می‌فرماید: «مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَ يَسْمَعُ مَا يَقُولُ وَ يَعْلَمُ...» کسی که بداند خدا او را می‌بیند و آنچه گوید، می‌شنود و هر کار نیک و بدی که کند، می‌داند، همین دانستن او را از کارهای زشت باز می‌دارد. پس، او کسی است که از مقام پروردگارش ترسیده است و ضمیر خویش را از هوس بازداشته است (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۲۰، ص ۴۴۰).

همواره به دو نوع شیوه در کنترل رفتار برمی‌خوریم: کنترل درونی و بیرونی که به چند جهت اندیشمندان براهمیت دو شیوه نظارت و کنترل درونی و بیرونی رفتار در بهسازی فردی و اجتماعی تأکید کرده‌اند (رک، کوئن، ۱۳۷۲ ص ۲۰۳). و آنها را مکمل مهم و غیر قابل انکار نظارت‌های بیرونی می‌دانند: زیرا اولاً به هیچ رو، نمی‌توان نظام‌های کنترلی را که تنها بر تشویق‌ها و تنبیه‌های بیرونی متکی هستند، کار آمد دانست، ثانیاً در نبود یا ضعف نظارت‌های بیرونی، مهار افراد و اعمال آنها بر عهده اهرم‌های درونی خواهد بود. از دیدگاه حوزه روانشناسی اجتماعی<sup>۱</sup> نظریه مبادله هومنز<sup>۲</sup>، نیز خود کنترلی و نظارت درونی فرایندی است؛ که از طریق آن رفتار فرد که از مرتبه رعایت هنجار عدول کرده، دوباره به همان مرتبه اعاده داده می‌شود و هرگاه به کلی از هنجار عدول کند، مجدداً به رعایت کامل هنجار سوق داده می‌شوند (گولدوکلوب، ۱۳۹۲، ص ۷۰۶-۷۰۵). نظریه «مبادله اجتماعی»؛ «جورج هومنز<sup>۳</sup>» که ریشه در مکتب رفتارگرایی اجتماعی<sup>۴</sup> دارد به تبیین کنش‌های انسانی براساس ارزیابی و محاسبه هزینه - فایده می‌پردازد. براساس بنیادهای مفهومی این نظریه، انسان‌ها همواره در پی به دست آوردن حداکثر سود و پاداش و پرهیز از ضرر و مجازات‌اند. موازنه بین کسب سود و اجتناب از ضرر جهت‌گیری رفتاری افراد را شکل می‌دهد.

- 1- Social Psychology
- 2- Exchange theory
- 3- George Homans
- 4- Social behaviorism

مؤلفه دیدگاه هومنز، گزاره‌هایی از قبیل: انگیزه، موفقیت، ارزش، محرومیت، پرخاشگری و عقلانیت هستند، هومنز این اصل کلی را در سه قضیه اساسی به شرح زیر تقلیل داده است:

۱-۱- **قضیه موفقیت**<sup>۱</sup>: وقتی کسی متوجه می‌شود برای کارهایش پاداش می‌گیرد، تمایل به تکرار همان عمل دارد.

۲-۱- **قضیه محرک**<sup>۲</sup>: هر چه محرکی خاص در گذشته بیشتر منجر به پاداش شده باشد، احتمال اینکه فرد به آن پاسخ دهد بیشتر است.

۳-۱- **قضیه محرومیت- اشباع**<sup>۳</sup>: هر چه در گذشته نزدیک، شخصی پاداش خاصی دریافت کرده باشد، ارزش هر واحد دیگری از آن پاداش کمتر می‌شود.

نظریه مبادله بیانگر دادوستد انسان‌ها در مناسبات فردی و اجتماعی است و مهمترین بنیان این دادوستد - همان گونه که گفته شد - انتفاع بیشتر است. در آیات قرآن کریم نیز شاهد دادوستد خداوند متعال با بندگانشیم آنجا که در آیات مختلف می‌فرماید: خداوند جان‌های مؤمنان را خرید تا بهشت را به آنها ارزانی نماید یا در تقییح داد و ستد انسان‌ها با شیطان می‌فرماید که تجارتی زیانبار کردند. لذا انسان‌های نیکوکار افرادی محاسبه‌گرند که در پی کسب بیشترین پاداش‌های راستین و رهایی از ضررهای احتمالی‌اند و در این مسیر تهذیب نفس و کنترل و نظارت درونی از مهمترین راهبردهاست. نظارت درونی زمانی محقق می‌شود که آدمی ابتدا اعمالی که سزوار پاداش و مستوجب عقاب‌اند را بشناسد آنگاه با ارزش گذاری پاداش‌ها و ضررها از انجام افعالی که منطبق بر حدود الهی نیست پرهیز نماید.

لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که مفهوم نظارت درونی در قرآن و حدیث و مبادله هومنز چگونه باز نمود شده است؟ تا بدین وسیله به تبیین و توصیف نظارت درونی پرداخته و عوامل ضعف و تقویت آن را بررسی کرده، سپس آثار و نتایج حاصل از مفاهیم و مصادیق نظارت درونی بر اساس قرآن و احادیث با تکیه بر نظریه مبادله جورج هومنز مورد تأیید قرار دهد. از آنجایی که اصطلاح خود کنترلی در قرآن کریم مسقیماً به کار نرفته، آیات مربوط به آن بیشتر با واژه‌های مترادفی همچون مشارطه، محاسبه، مراقبه، معاتبه، بیشتر در خصوص نفس وارد شده‌اند. و یا با مفاهیمی چون خویشتن داری، توکل، تقوا، پاداش بر پایه میثاق الهی ... بکار رفته‌اند. و مؤلفه‌های نظارت درونی در نظریه مبادله جورج هومنز که از جدیدترین نظرات فردگرایانه متکی بر روان‌شناسی اجتماعی است با گزاره‌هایی از قبیل: موفقیت، محرک، محرومیت مطرح شده‌اند. لذا، مطالعه میزان مشابهت یا مفارقت، مؤلفه‌های این نظریه با یافته‌های قرآنی و روایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا از دل این مقارنه می‌توان مدلی از آیات و روایات را به جامعه معرفی نمود که از جامعیت بیشتری برخوردار است.

1- Success Proposition

2- Stimulating theorem

3- Deprivation-Saturation Theorem

## ۲- پیشینه تحقیق

خواجوند صالحی (۱۴۰۱) به بررسی نظارت درونی از منظر قرآن پرداخت، یکی از محورهای مباحث قرآنی، توجه دادن انسان به خود و اعمال خود است وی با مقایسه شیوه‌های کنترل بر این باور است که شیوه کنترل درونی بسیار مطلوب‌تر از شیوه کنترل خارجی است، چرا که از طریق قبول مسئولیت فردی برای کارهای خود، صورت می‌پذیرد.

شکوهی‌تبار و سلیمی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان بررسی تفسیری ساز و کارهای درونی تأثیر نظارت خدای متعال در پیشگیری از کجروی انجام دادند. حاصل تحقیق، شناسایی پنج سازوکار اثرگذاری نظارت خدا است: آثار درونی تقویت، حیا، خشیت، نظارت عاطفی و نظارت ارزشی. با بررسی‌های صورت گرفته در پژوهش‌های داخل و خارج مشخص شد که تا کنون پژوهشی به صورت مقایسه دیدگاه‌های قرآن و حدیث با رویکرد هومنز در خصوص مفهوم نظارت درونی انجام نشده است و در پژوهش حاضر این شکاف دانشی مورد بررسی قرار گرفته شد است. علاوه بر مورد فوق، پژوهش حاضر از جنبه‌های دیگری نیز داری اهمیت و نوآوری است.

این پژوهش قصد دارد مفهوم نظارت درونی در قرآن و حدیث را از زوایای مختلفی بررسی کند و با استفاده از رویکرد نظریه مبادله جورج هومنز، به تحلیل عمیق‌تر این مفهوم پرداخته و روابط بین انسان و خدا، انسان و خود و انسان و دیگران را مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش می‌تواند به بررسی عوامل مؤثر در توسعه و تقویت نظارت درونی، اهمیت آن در رشد شخصی و اجتماعی، و نقش آن در ایجاد هماهنگی و تعامل مثبت در جوامع انسانی پرداخته و نتایج مفیدی ارائه دهد. استفاده از نظریه مبادله جورج هومنز نیز می‌تواند به توسعه دیدگاه‌های نوین و نگاهی متفاوت به مفهوم نظارت درونی کمک کند و باعث ارتقاء سطح دقت و عمق تحلیل‌ها در این زمینه شود.

**۱- نوآوری مفهومی:** این پژوهش اقدام به تبیین و تفسیر مفهوم نظارت درونی از منظر قرآن و حدیث می‌کند و با استفاده از نظریه مبادله جورج هومنز، به روش‌ها و ابزارهای جدیدی برای درک عمیق‌تر این مفهوم پرداخته و تفسیرات نوآورانه‌ای ارائه می‌دهد.

**۲- کاربردی بودن:** این پژوهش به دنبال ارائه راهکارها و روش‌های کاربردی برای تقویت نظارت درونی در افراد و جوامع است. این راهکارها می‌توانند به عنوان ابزارهای عملی برای ارتقاء سطح درونی و کنترل افکار و اعمال مورد استفاده قرار گیرند.

**۳- تأثیرگذاری اجتماعی:** این پژوهش به دنبال بررسی تأثیرات نظارت درونی بر رفتارها و اعمال افراد در جوامع است. ارائه پیشنهادات برای افزایش اهمیت این مفهوم در سازمان‌ها، خانواده‌ها و جوامع می‌تواند بهبود وضعیت اجتماعی و روابط انسانی را تسهیل کند.

**۴- استفاده از رویکرد ترکیبی:** استفاده از ترکیب نظریه مبادله جورج هومنز با مفاهیم دینی اسلامی، می‌تواند به تولید دیدگاه‌های جدید و تحلیل‌های عمیق‌تر در زمینه نظارت درونی منجر شود که این امر می‌تواند به توسعه دانش در این حوزه کمک کند.

### ۳- مفهوم شناسی

کلمه «نظارت» از نظر لغوی، از ریشه عربی «نظر» گرفته شده است که به معنای «أبصرَ و رأى» است (معلوف، لويس، ۲۰۰۰ م، ص ۱۴۲۱) که در زبان فارسی به «مشاهده و دیدن» قابل ترجمه است. کلمه «ناظر» نیز از همین ریشه و مترادف «باصر و عین» است (همان) که معادل «نگاه کننده، چشم، مراقب و نگهبان» در زبان فارسی است و کسی است که برای نظارت و رسیدگی به کاری معین می‌شود (دهخدا، ۱۳۸۵).

خود کنترلی؛ خود را کنترل کردن، در فرهنگ لغت فارسی به معنای نظارت داشتن شخص بر احساسات و اعمال خود است (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۸).

در اصطلاح «نظارت» به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف تضمین موفقیت یک رفتار معین انجام می‌پذیرند. و «کنترل» عبارت است از: فعالیتی منظم که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات تعیین می‌شوند، بنابراین تعاریفی که بیان شد: واژه‌های «نظارت» و «کنترل» اگرچه اغلب به صورت مترادف و مشترک به کار گرفته می‌شوند، اما این دو دارای تفاوت‌هایی هم هستند. در واقع نظارت بر کنترل اولویت و برتری دارد؛ زیرا در صورت وجود نظارت صحیح بر جریان عملیات، دیگر نیازی به کنترل که بازگرداندن کل نظام عملیات به مسیر صحیح و درست است نمی‌باشد (معصومی، ۱۳۸۸). بنابر این نظارت، فرآیندی است برای کسب اطمینان از اینکه اقدامات و فعالیت‌های افراد، در جهت اهداف پیش‌بینی شده و منطبق با اقدامات برنامه‌ریزی شده، می‌باشد و در تعریف‌ها کنترل و نظارت را نوعی مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد دانسته‌اند (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴).

یکی از مفاهیم مترادفی که در رابطه با نظارت درونی در قرآن و حدیث به آن پرداخته شده تقوا است: «تقوا» از ماده «وقی» در لغت به معنی نگه داشتن چیزی است که زیان و ضرر می‌رساند. با تقوی انسان نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک است، نگه می‌دارد. این حقیقت معنی تقوی است. در شریعت و دین، تقوی یعنی خود نگهداری از آنچه که به گناه انجامد (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۸۰ و ۴۷۹). تقوا، اولیاء حق را نگهداری می‌کند و معنویت می‌دهد. ملکه و فضیلت تقوا در روح انسان اثر می‌گذارد و او را از ارتکاب لغزش و گناهان باز می‌دارد (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۰).

امام علی<sup>(ع)</sup> در مفهوم تقوی می‌فرماید: «الْتَّقْوَى أَنْ يَتَّقِيَ الْمَرْءُ كُلَّ مَا يُؤْخِئُهُ» تقوی آن است که انسان از آنچه او را به گناه می‌کشاند، پرهیز کند (محمدری شهری، ۱۳۸۴، ص ۶۰۹). از موارد دیگر مترادف خود کنترلی حلم است که در کتب لغت و قرآن و حدیث به آن پرداخته شده است به عنوان نمونه راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌گوید: «حلم به معنای خویشتن داری به هنگام هیجان غضب است، و از آنجا که این حالت از عقل و خرد ناشی می‌شود، گاه به معنای عقل و خرد نیز به کار رفته است» (مفردات راغب، ۲۰۰۸ م، واژه حلم). امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> فرمودند: «حلم، یعنی فرو بردن خشم، و تسلط بر خویشتن است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق). در آیات الهی به موضوع حلم و فرو بردن خشم خود اشاره شده است آیه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ

الْغَيْظَ...» (عمران: ۱۳۳-۱۳۴) انسان در مقابل حوادث ناخوشایندی که مطابق میلش نمی‌باشد واکنش نشان می‌دهد و بروز خشم و عصبانیت از شایع‌ترین واکنش‌ها در آن لحظات است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «وَأَحْرَمَ النَّاسَ أَكْثَرَهُمْ لِلْغَيْظِ». و استوارترین مردم هم کسی است که خشم خود را فرو برد (ابن بابویه، ج ۴، ص ۳۹۵) خداوند انسانهای با تقوا و پرهیزکار را افرادی معرفی می‌کند که قدرت غلبه بر خشم خود را دارند و منبع قدرت آنها از تقوا و پرهیزکاری است، همچنین، خود کنترلی در روان‌شناسی با تعبیری مانند کنترل شخصی، منبع کنترل درونی، و جدان و کنترل نفس تبیین می‌شود.

نظارت درونی حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می‌سازد، بدون آن که عامل خارجی او را تحت نظارت داشته باشد (الوانی ۱۳۸۲، ص ۱۳۴). نظارت درونی در علم روانشناسی، بنیادی‌ترین هیجان آدمی معرفی شده که از او محافظت می‌کند، پرداختن به همه تعاریف نظارت درونی هدف این نوشتار نیست. بنابراین، به تعریف برگزیده و مبنا اشاره می‌کنیم، نظارت درونی واکنشی است روحی برای صیانت از خود و متعلقات وابسته اعم از امور مادی و معنوی در موقعیت‌های حساس، توضیح مطلب اینکه خود کنترلی واکنش و عکس‌العمل در برابر رویداد است؛ چون به صورت بدوی و ابتدا به ساکن رخ می‌دهد. حوادثی باید اتفاق بیفتند و موقعیت احساس خطری بایستی ادراک بشود تا این واکنش روحی برانگیخته گردد. این واکنش در ذات خود روحی است؛ چون کالبد بدون روح انسان و نیز انسان خوابیده که خواب او عمیق شده است و در آن حالت است که نمی‌اندیشد طبق آیات قرآن کریم (زمر: ۳۹ و ۴۲)؛ در چنین حالتی روح انسانی از بدن خارج می‌شود، و انسان بر خود کنترل و نظارتی ندارد. بنابراین، حضور روح سبب کنترل است و ادراک از جمله ذاتیات خود کنترلی است و در نهایت، غایت خود کنترلی صیانت از خود شامل روح، روان و جسم یا متعلقات شامل امور مادی و معنوی است.

#### ۴- خود کنترلی در قرآن و حدیث و مقارنه نظریه مبادله جورج هومنز با آن

پرداختن به موضوع خود کنترلی براساس قرآن و روایات به منظور بسط دانش بشری در جهت تأمین زیرساخت‌های فکری و نظری کنترل نفس حائز اهمیت است و گامی مؤثر در جهت افزایش ظرفیت خود نظارتی و خود نظم دهی براساس قرآن و متون حدیثی محسوب می‌شود، در عرصه وجود انسان، نفس لوازمه به عنوان یک مکانیزم کنترل درونی و ناظر و محافظ عمل می‌کند «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» (طارق: ۴)؛ لذا انسان باید در عملکرد خویش دقت تمام داشته باشد؛ زیرا حضور چیزی فراتر از دوربین‌های امنیتی که همه احوالات ظاهر بلکه باطن انسان از نیت‌ها را خبر دارد، جای هیچ گونه بهانه و عذری را نمی‌گذارد. در حقیقت کسی که در محضر خدا و ده‌ها شاهد دیگر از جمله شواهدی از درون یعنی اعضا و جوارح خودش است، به طور طبیعی با عقل و علم عمل کرده و بر خلاف مأموریت و مسئولیت خود، حرکتی و کاری را انجام نمی‌دهد. از مهارت‌های شناختی ارائه شده در قرآن برای غلبه نمودن بر نفس اماره و امیال نفسانی آن است که آدمی این نکته را درک کند که عالم محضر خداست و خدا در همه حال شاهد

بر اعمال او است، چه آنکه طبیعت آدمی این گونه است و اگر بداند کسی اعمال او را نظاره می‌کند، شرم و حیا می‌کند از اینکه بخواهد کار خلاف و زشتی را مرتکب شود بر اساس همین اصل (طبیعت انسان) خداوند در آیات متعددی بشر را مورد خطاب قرار داده است که من بر اعمال شما نظاره دارم و وسوسه‌های درونی شما را می‌دانم و هیچ چیزی نیست که در زمین و آسمان وجود داشته باشد و انجام شود و از دید من مخفی بماند پُر واضح است وقتی آدمی باور به حضور خدا در نظام هستی داشته باشد و در همه حال خداوند را حاضر بر اعمال و نیات خویش بداند، از تَفَسُّس سرکش خویش متابعت نخواهد کرد و مرتکب کار ناپسند نخواهد شد، شاهد مثال «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر: ۱۹) و خدا بر نگاه خیانت چشم خلق و اندیشه‌های نهانی دل‌های (مردم) آگاه است. و نیز: آل عمران: ۵، البقره: ۲۳۵، التور: ۲۹، الأنفال: ۷۰، المائده: ۹۴، الأنعام: ۳، التوبه: ۷۸، الأحزاب: ۵۱، التَّغَابُن: ۴ و العلق: ۱۴؛ این دسته آیات، آیاتی هستند که بر حاضر و ناظر بودن خداوند بر اعمال انسان اشاره دارند. مفهوم؛ نظارت درونی از مفاهیمی است که در جامعه شناسی با اهداف گوناگونی توسط نظریه پردازان مورد استفاده قرار گرفته است، یکی از این نظریه پردازان اجتماعی جورج هومنز است؛ وی در این زمینه نظریه مبادله مطرح می‌کند که متأثر از مکتب روانشناختی رفتارگرایی است؛ این روش فکری اول؛ بر مکتب اقتصاد کلاسیک و اصل مطلوبیت کاهنده و عقلانیت رفتار استوار بود که در واقع با رفتار گرایی در روانشناسی گره خورده است. در روانشناسی قرآن و حدیث نیز به مفهوم خودکنترلی توجه شده است بعنوان مثال آیه «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ...» (نور: ۲۴)؛ رسول خدا (ص) می‌فرماید: «فَأَسْتَحْيُوا الْيَوْمَ أَنْ يَطَّلِعَ اللَّهُ عَلَيَّ...». امروز حیا کنید از این که خداوند بر عملی از شما با خبر شود که به خاطر آن بر شما خشمگین گردد که همانا خداوند تعالی می‌فرماید: خشم خداوند بزرگ‌تر از خشم خودتان نسبت به خودتان است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۹، ص ۳۳۳). عبارت «خشم خودتان نسبت به خودتان» به «نظارت وجدانی» انسان اشاره دارد. یعنی پیش از آن که به واسطه نظارت الهی اعمال بدتان ثبت گردد و خود را در محکمه عدل الهی محکوم ببینید، با گوهر حیا که خدا در فطرت و وجدانتان قرار داده است، بر اعمال خود نظارت کنید و از ارتکاب هر چه خشم خداوند را به دنبال دارد بپرهیزید.

## ۵- مقایسه قضایایی هومنز نظارت درونی با قرآن و حدیث

هومنز معتقد است که اصولی مشترک درون همه انسان‌ها وجود دارد که باعث بروز رفتارهای معینی در حیات فردی و اجتماعی می‌گردد. و همه انسان‌ها در رفتار خود از این اصول تبعیت می‌کنند. از دیدگاه هومنز، رابطه انسان‌ها با یکدیگر در زندگی روزمره، طبق مبادله‌ای است که اساس آن سنجش سود و زیان است (ریترز، ۱۳۸۰، ص ۴۳۰). همانطور که بیان شد هومنز، شش گزاره را مطرح می‌کند: که به نظر او، تعیین کننده روابط حاکم بر انسان‌هاست آنها را در سه قضیه تقلیل داده است: موفقیت، محرک، و محرومیت، با بررسی منابع اصیل اسلامی از جمله: قرآن و حدیث، نظارت درونی شامل، مؤلفه‌هایی چون، خویشتر داری، تقوی، توکل، صبر، روزه... رسیدن انسان به

پاداش است، بعنوان مثال آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ...» (نور: ۳۰) «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند» و در آیه دیگری رابطه با نظارت درونی چنین آمده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ...» (بقره: ۲۳۵)؛ و بدانید که خداوند از نیات درونی شما آگاه است، پس از نیت‌های پلید و آلوده به خاطر خدا بپرهیزید... و آیه «...وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ...» (آل عمران: ۱۸۶)؛ و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید...؛ خداوند هم راه خویش هدایت می‌فرماید و همواره با متقین است: «...وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ...» (البقره: ۱۹۴)؛ و بدانید خدا با پرهیزکاران است.

در روایات نیز تأکید بسیاری بر لزوم خویش‌داری شده است؛ در روایتی از حضرت علی<sup>(ع)</sup> «نَزَّهُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ دَسِيسِ اللَّذَاتِ وَ تَبِعَاتِ الشَّهَوَاتِ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۰). خویش‌داری را از آلودگی لذات پلید و عوارض بد شهوات منزّه و پاک نگاهدارید «واعظ من نفسه» (برقی، ج ۲، ص ۶۰۴). با توجه به حقیقت تقوی که عبارت از یک حالت روحی و ملکه اخلاقی، که هرگاه این حالت در انسان پیدا شود، قدرتی پیدا می‌کند که می‌تواند از گناه بپرهیزد و بر نفس اماره چیره گردد، روشن می‌شود که تقوا با مهار و غلبه نفس چموش رابطه تنگاتنگی دارد، چرا که آدم با تقوا با خویش‌داری نفس، دارای اراده و تصمیم محکم است. امام علی<sup>(ع)</sup> در نهج البلاغه می‌فرماید: «اوصیکم عباد الله بتقوی الله...» (نهج البلاغه، خطبه، ۱۸۶). ای بندگان خدا، شما را به تقوا سفارش می‌کنم،... و به تقوای حقیقی چنگ زنید. یکی دیگر از موارد نظارت درونی روزه است که موجب خویش‌داری و ترک گناه می‌شود؛ امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «...لایکون یوم صومک کیوم فطرک»؛ (طوسی، ج ۴، ص ۱۹۴). انسان روزه دار دارای واعظی درونی است که او را نسبت به آخرتش پند می‌دهد، وی در برابر خدا خاشع و خاضع و از اجر و پاداش برخوردار است.

در رابطه با نظریه مبادله باید گفت: بیانگر داد و ستد انسان‌ها در مناسبات فردی و اجتماعی است و مهمترین بنیان این دادوستد - همان گونه که گفته شد انتفاع بیشتر است. در آیات قرآن کریم نیز شاهد دادوستد خداوند متعال با بندگانش آنجا که در آیات مختلف در رابطه با صبر و توکل می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ مِمَّا صَبَرُوا...» (قصص: ۵۴)؛ آنانند که به (پاس) آنکه صبر کردند و ...، دو بار پاداش خواهند یافت. با توجه به سیاق آیات صفات کسانی که صبورند و از نظارت درونی بالایی برخوردارند بیان شده است مثال «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (کهف: ۶۷). در این آیه حضرت خضر<sup>(ع)</sup> در پاسخ حضرت موسی<sup>(ع)</sup> به صورت مؤکد می‌گوید: تو نمی‌توانی آنچه را که در طریق تعلیم از من می‌بینی تحمل کنی و دلیل بر این تأکید چند چیز است، اول کلمه آن. دوم آوردن کلمه صبر است به صورت نکره در سیاق نفی، چون نکره در سیاق نفی، افاده عمومیت می‌کند. بنابر این، صبر عامل حفظ دین و نگاهبان انسان از بی‌میل شدن به حق و حقیقت و عامل تقویت روح و روان و حافظ انسان از افتادن در دام شیاطین جنی و انسی است.

«ورع» یکی دیگر از موارد نظارت درونی است، در مورد (ورع) در کتاب بحار الأنوار، در حدیث المعراج آمده است: «یا أحمد، علیک بالورع؛ فإنّ الورع رأس الدین و...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۷۷، ص

۲۶). بنا بر شواهد فوق قرآن و حدیث برای رسیدن به خود کنترلی و نظارت درونی، راهکارهایی ترسیم نموده‌اند از جمله: «راهکار شناختی و رفتاری» هومنز خود نیز مبتکر دیدگاهی است که به رفتارگرایی اشتهار دارد. لذا هر دو دیدگاه معتقداند: که پدیده‌ها را می‌توان با قضایای روانشناختی تبیین کرد و باید این دو، توأمان ایجاد شود، چرا که مؤلفه‌های شناختی قدرت درون را افزایش می‌دهد و مؤلفه‌های رفتاری، توان برون را تقویت می‌نماید. که این دو باعث حرکت انسان در جهت رسیدن به نظارت درونی هستند که به شرح ذیل تفسیر می‌شوند.

### ۱-۵- قضیه پیروزی یا موفقیت<sup>۱</sup>

در این قسمت پس از بیان مفهوم موفقیت و امور مرتبط به آن به نقش این قضیه در نظارت درونی پرداخته می‌شود. موفقیت در لغت به معنای توفیق، کامیابی، کامروایی، کامرانی، دستیابی به آرزو یا انجام دادن کاری است (دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۵۹).

و اما تعریف موفقیت در اصطلاح؛ به اندازه‌ای روشن و بدون ابهام است که از هر شخصی سؤال شود، بی‌درنگ خواهد گفت؛ موفقیت عبارت است از: رسیدن به هدف یا اهداف مورد نظر؛ امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «توفیق از جاذبه‌های پروردگار است» (محمدی‌ری شهری، ج ۱۰، ص ۵۹۰). براین اساس، می‌توان، هر عملی را که باعث رشد انسان به سوی کمال مطلق شود، موفقیت نامید. موفقیت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین انگیزه‌ای است که ما برای رسیدن به آن زندگی می‌کنیم در تعریف «موفقیت» می‌توان گفت: «برعکس شکست» وضعیت دستیابی و انجام یک هدف است. موفق بودن به معنای دستیابی به چشم اندازه‌های مورد نظر و اهداف برنامه‌ریزی شده است. علاوه براین موفقیت می‌تواند موقعیت اجتماعی خاصی باشد که توصیف کننده یک فرد خوشبخت است که می‌تواند به دلیل نتیجه مطلوب خود نیز شهرت پیدا کند. جورج هومنز قضیه موفقیت؛ این‌گونه بیان می‌کند «قضیه موفقیت» در مورد همه اعمالی که اشخاص انجام می‌دهند، غالباً این‌گونه است که هر عملی از یک شخص اگر که مورد پاداش قرار گیرد، احتمالاً تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد (ریترز، ۱۳۸۱، ص ۴۲۷). این قضیه حداقل با سه رویداد همراه است: ۱. اعمال شخص که با هدف موفقیت انجام می‌شود. ۲. نتیجه منتهی به پاداش که به وسیله کثرت فعالیت وی اتفاق می‌افتد. ۳. تکرار عمل که عملی است مشابه عمل اولیه (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۱). این قضیه در نظریه مبادله هومنز، بیانگر فرایندی است که طی آن رفتار اجتماعی به ایجاد ساخت‌های اجتماعی سوق می‌یابد. همچنین این قضیه بیانگر آن است که هرچه عملی کمتر به پاداش منجر شود، همان قدر کمتر مستعد تکرار است. و در نهایت اگر عملی پس از دریافت یکبار پاداش داده نشود، از آن پس دیگر شخص تمایل به انجام آن نشان نخواهد داد. در اصطلاح روانشناسی گفته می‌شود که این رفتار به خاموشی گراییده است. از میان تمام اعمالی که افراد در موقعیت‌های مختلف سازمانی را انجام می‌دهند، آن دسته از رفتارها پایدار می‌مانند و

1- Success Proposition

به طور ثابت تکرار شوند که بیشترین پاداش را از گروه یا سازمان یا نهاد اجتماعی خویش دریافت کنند(تنتهایی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵).

و اما موفقیت از منظر قرآن وحیث؛ یکی از مهمترین رموزی که انسان را به موفقیت و سعادت می‌رساند، توکل به خداوند است. قرآن کریم به صراحت به این مهم اشاره دارد که اگر انسان به خداوند توکل کند خداوند درهای بسته را از جایی که نمی‌داند برای او می‌گشاید؛ در سوره شعرا آیه ۲۱۷ به اثر دیگر توکل در احساس توانمندی و داشتن پشتوانه قوی در کارها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» (شعرا: ۲۱۷)؛ تکیه روی دو صفت عزت و رحمت برای نشان دادن توانمندی خدا بر مشکلات و سختی‌ها و مهربانی و عطف بر مؤمنان برای نجات و رهایی است. از طرف دیگر توکل به خداوند بی‌شک به انسان آرامش روحی و روانی هدیه می‌کند. مصداق بارز خود کنترلی توکل بر خدا است و به حکم قرآن باعث اطمینان و آرامش قلب می‌شود؛ به عنوان مثال در آیه ۵۱ سوره توبه به اثر توکل اطمینان و آرامش بخشی نفس انسان اشاره می‌کند: «قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ...» (توبه: ۵۱)؛ بگو هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد مگر آنچه خداوند برای ما مقرر داشته است... و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. «الثَّقَةُ بِاللَّهِ مِّنْ لِّكُلِّ غَالٍ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۷، ص ۴۶۳). اعتماد به خدای متعال، بهای هر چیز گرانبها و نردبانی به سوی همه موفقیت‌هاست؛ در این حدیث شریف، دو مورد دیگر از آثار و فواید توکل بر شمرده شده است: الف. انسان با توکل و اعتماد به خدای سبحان می‌تواند هر چیز گران بهایی را به دست آورد ب. انسان با توکل می‌تواند به هر مقصد بلندی دست یابد، البته باید در نظر داشت که مقصد بلند منحصر به خواسته‌های دنیایی نیست و همان طور که انسان می‌تواند در دنیا از طریق نردبان توکل بالا رفته و موفقیت کسب کند، قادر خواهد بود در قیامت براساس مرتبه توکل خود، مدارج عالی بهشت و رضوان الهی را طی کند و به اوج مقامات برسد؛ و بلکه مقصود حدیث بیشتر این مدارج عالی است که پایدار است در مقابل مقصدهای دنیایی که ناپایدار و زود گذرند، خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» (عنکبوت: ۸۵ و ۹۵)؛ و کسانی را که ایمان آوردند و عمل نیکو کردند... آنان کسانی می‌باشند (که در سختی‌ها) صبر کردند و بر پروردگارش توکل می‌کنند. در تفسیر این آیات آمده است که: مقام و منزلت یافتن در غرفه‌های بهشتی، نصیب کسی می‌گردد که برای حفظ دین با نفس خود مجاهده نماید و بر ناگواری‌ها، سختی‌های روزگار و جفای دشمنان صبر و بردباری کند و نیز اتکا و امیدش در تمام امور به پروردگارش باشد (اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۶).

بنابر این، در پرتو آرامش است که انسان می‌تواند برای رسیدن به اهداف درست برنامه‌ریزی کرده و با آسودگی قدم‌های رسیدن به موفقیت را طی کند. هومنز این قضیه را به آن سبب قضیه موفقیت نامیده است که حداقل با سه رویداد همراه است: الف. اعمال شخص ب. نتیجه عمل ج. تکرار عمل که عملی است مشابه عمل اولیه که فرد برای کنش یا عملی خاص پاداش می‌گیرد؛ با تعمیم این قضیه در حوزه نظارت درونی میتوان استنباط کرد. موفقیت یک محرک اساسی برای انجام کارها و رسیدن به اهداف و از عوامل مؤثر در پیشرفت در زندگی محسوب می‌شود کسانی

که از نظارت درونی برخوردارند همواره برای رسیدن به موفقیت تلاش میکنند به این ترتیب شرایط زندگی برای آنان بهبود یافته و در واقع میزان حس رضایت از زندگی دارند؛ کسی که از میان مرکز کنترل درونی و بیرونی، نوع درونی را انتخاب می کند مسئولیت پذیر و به خودباوری رسیده و از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است؛ این فرد قدرت تصمیم گیری داشته و یک شخصیت مستقل برای خودش می سازد؛ و در انجام کارهای فردی که وابسته به قدرت تحلیل، بررسی و در نهایت اقدام موثر است بسیار خوب و حرفه ای عمل میکند. در نتیجه موفقیت‌های مهمی را کسب کرده و به آنچه که می‌خواهد دست پیدا میکند نظارت درونی از رموز موفقیتی هستند که جامعه بر آنها صحنه گذاشته و مورد پذیرش قراردادهاند؛ بنابر این، کاملاً در درون فرد و جامعه تثبیت شده- اند. به عبارت دیگر افراد جامعه در این خصوص فطرتاً به توافق رسیده و قرآن کریم و احادیث آن را تأیید کرده‌اند.

## ۵-۲- قضیه انگیزه یا محرک<sup>۱</sup>

انگیزه عبارت است از: عامل و نیروی درونی که رفتار فرد را موجب می‌شود و در جهت معین سوق می‌دهد و او را آشکارا به فعالیت خاصی وا می‌دارد (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۵۹). رابطه انگیزش و انگیزه عبارت است از: عامل درونی به وجود آورنده انگیزش؛ انگیزه و انگیزش غالباً به صورت مترادف به کار می‌روند. انگیزش وضعیت درونی فرد است که محرک، جهت دهنده و عامل رفتار اوست (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷). با این حال، می‌توان انگیزه را دقیق‌تر از انگیزش دانست، به این صورت که انگیزش را عامل کلی مولد رفتار، اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار خاص به حساب آورد، رفتار دارای انگیزه، رفتاری همراه با انرژی، جهت‌دار و دنباله دار است (سانتراک، جان، ۱۳۸۵، ص ۵۸۰). این قضیه مربوط به تأثیر موقعیت‌ها بر اعمال است این اعمال ممکن است؛ ارادی یا غیر ارادی باشند و در هر حال این موقعیت‌ها زمینه تحریک یا انگیزش را مهیا می‌کنند (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۳).

لذا، رفتارهای خاص و جهت‌دار سبب انگیزه در انسان می‌شود و رفتار فرد را تحت شعاع قرار می‌دهد که بستگی به رفتارهای موفقیت آمیز، خود فرد و یا سایر افراد دارد. قضیه محرک از نظر جورج هومنز نیز این است؛ هرچه محرکی خاص در گذشته بیشتر منجر به پاداش شده باشد، احتمال اینکه فرد به آن پاسخ دهد بیشتر است. این قضیه در واقع براساس آیات و احادیث بر این واقعیت؛ تأکید دارد؛ خداوند بزرگ به همه ابعاد درونی بشر واقف است جهت تشویق و ترغیب و ایجاد انگیزه در وجودش به او وعده پاداش داده است. و در رابطه با چگونگی پاداش‌دهی به او در لسان قرآن و حدیث از پاداش‌های مختلفی سخن به میان آمده که بر عمل نیک او مترتب می‌شود. بعنوان نمونه آیه «فَاتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَ...» (عمران: ۱۴۸)؛ پس خدا پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را با آنان عطا فرمود، همچنین آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ

1- Stimulus Proposition

اللَّهِ...» (بقره: ۲۶۱)؛ در این آیه ملاحظه می‌کنیم که پاداش الهی هفتصد برابر و گاهی دو یا چند برابر این مقدار است که قابل مقایسه با کار نیک بندگان نیست. البته جای تعجب نیست، عظمت خداوند، وسعت رحمت وجود و بخشش او چنین اقتضایی را دارد و همه اینها جزو برنامه‌ای تشویقی برای ایجاد انگیزه‌های قوی‌تر در بندگان برای انجام کارهای خیر است برای تحریک انسان به رفتار نیک و بازداری از رفتار ناپسند، به صورت گسترده استفاده کرده است. تشویق‌های قرآن گستره وسیعی دارند؛ هم به لحاظ افرادی که تشویق شده‌اند، هم از نظر پاداش‌ها و هم به لحاظ مجریان این تشویق‌ها؛ تمام آیاتی که از بهشت و نعمت‌های مادی و معنوی سخن گفته، شاهدهی بر این مدعاست. خداوند به پیامبر گرامی اسلام فرمان می‌دهد که مؤمنان را به نبرد تشویق کند و از پایداری آنان در قالب سنت الهی نصرت، قدردانی می‌نماید: مثال «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...» (انفال: ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمنان خطرناک) برانگیز. هرگاه از شما بیست نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند، در این زمینه و از نگاه قرآن، صبر و استقامت، مایه انگیزه و از عوامل نظارت درونی معرفی شده است، و نیز ایمان عامل اصلی و سرچشمه عمل صالح و موجب التزام عملی به دستورات دینی و اخلاق حسنه است، سهولت یا صعوبت عمل صالح به شدت و ضعف ایمان بستگی دارد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۶۳۲). خداوند سبحان در قرآن کریم به رفتار شایسته مؤمنان حقیقی، مانند خدا ترسی، توکل به خدا،

اقامه و خشوع در نماز، انفاق، پرداخت زکات، دوری از کار بیهوده، پاکدامنی، تعهد و امانتداری، تردید نکردن در امور دینی و جهاد در راه خدا، اشاره و تأکید کرده است بعنوان مثال آیات «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون: ۲ و ۱)؛ آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور قلب‌اند] «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» (حجرات: ۱۵)؛ در آیه فوق و آیاتی مانند آیات اول تا نهم سوره مؤمنون می‌خواهد این پیام را برساند که مقتضای انگیزه در نظارت درونی در نتیجه ایمان واقعی و امثال این اعمال خدا پسندانه است.

از موارد دیگر انگیزه و نظارت درونی جهاد با نفس است که بیشترین کاربرد اصطلاحی در احادیث، خاصه شیعه دارد، مشهورترین بیان در این باره، از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل شده است، و در متون اصلی حدیث اهل سنت وجود ندارد (قرطبی، ۱۹۸۵). کلینی آن را از سکونی از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت کرده است؛ به این مضمون که پیامبر اکرم گروهی را به جهاد «سریه» فرستاد و چون آنان بازگشتند، به ایشان فرمود: آفرین بر گروهی که جهاد کوچک‌تر را پشت سر گذاشته‌اند و اینک جهاد بزرگ‌تر بر عهده آنان مانده است (صدوق، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۵۳). سپس توضیح دادند که مراد از جهاد بزرگ‌تر همان جهاد با نفس است «جَاهِدْ هَوَاكَ كَمَا تَجَاهِدُ عَدُوَّكَ» (همان، ص ۴۱۰). در حوزه انگیزه و نظارت درونی جهاد با نفس و تربیت نفس امری بسیار ضروری است، در اهمیت این موضوع خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ...» (نازعات: ۴۰ و ۴۱)؛ و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگار خود و از ایستادن در برابر او پروا کند و نفس [خود] را از هوا و هوس باز دارد، پس بی‌شک بهشت [برین] جایگاه اوست، در این رابطه حضرت علی<sup>(ع)</sup> نامه‌ای به مالک می‌نویسد؛ و می‌فرماید: «آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویق‌شان نما و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند

بر شمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیریشان را (به کوشش و حرکت بیشتر) بر انگیزاند...» (نهج البلاغه، نامه، ۵۳).

با توجه به موارد فوق و نظریه هومنز که می‌گوید: اگر در گذشته و تاریخ تجربه فرد یا جامعه‌ای، رخداد و یا انجام عملی موجب تنبیه و یا پاداش بوده است، به دلیل همین تجربه تاریخی احتمال می‌رود که مشابه آن عمل در صورتی که تکرار پاداش را نوید دهد در زمان حال نیز تکرار شود. این گزاره به نوعی تحلیل و تبیین تاریخی می‌تواند روابط احتمالی موجود بر سر مسئله تضاد اعراب و اسرائیل را پیش‌بینی کند. بنابراین، ایمان، جهاد با نفس، امانتداری، خشوع، انفاق، خداترسی، محرک و عامل اصلی برای کنترل درون وانگیزه‌ای برای انجام عمل صالح و گوه‌رهایی هستند که در قالب رفتار و صفات شایسته متبلور می‌شوند.

### ۳-۵- قضیه محرومیت<sup>۱</sup>

محرومیت یکی از مفاهیم پیچیده است که تعاریف و تعبیر گوناگونی برای آن از سوی محققان مختلف با توجه به اهداف آنان ارائه شده و تعریفی از آن که مورد توافق همه باشد، وجود ندارد؛ زیرا که محرومیت مقوله‌ای کیفی، به شدت نسبی و حتی اغلب اوقات تلقی مردم از آن ذهنی است (کلالی‌مقدم: ۱۳۷۸، ۲۳). به هر میزانی که پاداش افعال غیر غریزی، تکرار و نزدیک به هم باشد کمتر می‌توان تکرار آن را در آینده دید (نتهایی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵). به عبارت دیگر قضیه محرومیت و اشباع؛ هر اندازه فرد در گذشته نزدیک، نوع خاصی از پاداش را بیشتر دریافت کرده باشد، به همان اندازه واحدهای بعدی آن پاداش برای وی ارزش کمتری در بر خواهد داشت (توسلی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۰). این دو مفهوم باعث شد که هومنز قضیه محرومیت و سیری را دو باره قالب‌ریزی کند. به این صورت که هر چه یک شخص در نتیجه یک عمل سود بیشتری کسب کرده باشد، احتمال بیشتری می‌رود که آن عمل را دوباره انجام دهد طرح کند (هومنز، ۱۹۷۴، ص ۳۱).

درحوزه نظارت این قضیه می‌تواند نشان دهنده این واقعیت باشد که در قبال رفتار نظارت درونی افراد، پاداش‌ها باید حساب شده و با برنامه زمان بندی مناسب ارائه شود؛ تا از انگیزه‌های افراد در کنترل درونی خود و دیگر افراد کاسته نشود؛ در واقع این قضیه شاید این پیام برای ما باشد که از منظر قرآن کریم و روایات معتبر، به قضیه محرومیت نیز پرداخته شده است. برخی عوامل سلب نعمت و محرومیت از مواهب خداوندی به شرح ذیل است: تحولات درونی و بیرونی در انسان؛ از نگاه قرآن، تغییر نعمت‌های الهی، به دست خود انسان است، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ذَلِك بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا...» (انفال: ۵۳)؛ امام علی<sup>(ع)</sup> در خطبه ۱۷۸ نهج البلاغه، در بیان علت «زوال نعمت‌ها» چنین می‌فرماید: «وَإِئْمُ اللّهِ، مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عَصَ نِعْمَةٍ...» به خدا سوگند! هرگز ملتی که در ناز و نعمت می‌زیستند نعمتشان زوال نیافت، مگر بر اثر گناهی که مرتکب شدند...؛ سپس امام<sup>(ع)</sup> در ادامه این سخن که در واقع نتیجه مستقیم یادآوری

1- Deprivation-Satiation Proposition -

پیشین است، می‌فرماید: و اگر مردم زمانی که بلاها بر آن نازل می‌شود و نعمت‌ها از آنان زایل می‌گردد با صدق نیت در پیشگاه خدا تضرع کنند و با قلب‌های پر از عشق و محبت به خدا، از درخواست (توبه) نمایند، یقیناً آن چه، از دستشان رفته به آنان باز می‌گردد و هر خرابی را برای آن‌ها اصلاح می‌کند. این از جهت آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند.» این آیه، به روشنی بیان می‌دارد که میان تحولات نفسانی انسان و حوادث روزگار، ارتباط معناداری وجود دارد؛ یعنی انسان با تغییر اوضاع و احوال درونی خود، سبب تحول و بروز حوادث بیرونی می‌شود، مطابق این سنت الهی، ایمان و توکل به خدا، مهربانی، خیرخواهی و داشتن صفات خوب اخلاقی، از عوامل نزول نعمات الهی است؛ همان گونه که کفر و تکذیب آیات الهی، غفلت، بددلی و سایر صفات زشت اخلاقی، از موجبات سلب نعمت و نزول بلا به شمار می‌آید. نتیجه بحث محرومیت؛ از دیدگاه قرآن و حدیث آنچه معیار سنجش برای کنترل محسوب می‌شود، انطباق عملکرد با موازین شرع و آموزه‌های الهی است و به همین دلیل است که تضمین کننده مقاصدی می‌باشد که انسان را به سوی کمال الهی سوق می‌دهد، انسان با رعایت عدل و انصاف در هر حال و پرهیز از هرگونه ظلم و ستم که سبب تغییر نعمت‌ها می‌شود. و با اراده و اختیار خود می‌تواند کاری کند که نعمت‌ها برایش باقی بمانند و یا حتی افزایش یابند و یا اینکه از دستش بروند و به نعمت و عذاب تبدیل شوند. این‌ها مواردی بودند که ترک و انجام ندادن آنها از نظر قرآن و روایات اهل بیت سبب سلب پاداش و نعمت از سوی الهی محسوب می‌شوند.

## ۶- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال اساسی نگاشته شد که: مفهوم نظارت درونی در قرآن و حدیث و نظریه مبادله هومنز چگونه باز نمود شده است؟ از آنجا که قرآن کریم «لاریب فیه» است و آبشخور متون روایی نیز قرآن کریم است، بایسته و شایسته آن است که آراء و نظریات اندیشمندی چون جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی با قرآن و متون روایی مقایسه شوند. به عبارتی دیگر این آراء و اندیشه‌ها به متون یاد شده عرضه گردند و وجه مشابهت و مفارقت آن‌ها با شاخص یاد شده (متون مقدس) بررسی گردد. در پژوهش حاضر، ابتدا مفهوم نظارت درونی در قرآن و حدیث مطالعه، سپس مفهوم یاد شده در نظریه مبادله جورج هومنز بررسی گردید و آراء هومنز با آیات و روایات مربوط به کنترل درونی مقایسه گردید.

قرآن کریم و متون روایی، تعالی انسان و جامعه را در کف نفس و تقوی و پرهیز در دو سطح فردی و اجتماعی دانسته‌اند. در گستره این تعالیم و معارف، انسان موجودی است که همواره در محضر خداوند متعال قرار دارد و او بر اعمال و رفتار بنده‌اش آگاه است و هر انسان، پادافره کارهای خود را خواهد دید. آنانی که سبیل تقوا را پیشه خود می‌سازند به نجات و رستگاری خواهند رسید و کسانی که راه ضلالت و گمراهی را در پیش می‌گیرند به تباهی مبتلا خواهند شد. تقوی و پرهیزگاری، سیستم نظارت درونی است که هر گاه ملکه وجود آدمیان گردد میزان لغزش‌های او

کاسته خواهد شد. فرو بردن خشم هنگام عصبانیت و «کظم غیض» نمونه‌ای از کنترل درونی است که قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup> بارها بدان سفارش نموده‌اند. نفس لوامه و سرزنشگر برآیند تقویت صدای درون و ندای نظارت درونی است. ندایی که انسان را به دلیل انحراف از سبیل نجات مورد نکوهش و عتاب قرار می‌دهد و به او یاد آور می‌شود که در ازای به دست آوردن اندک سود دنیوی چه ثروت هنگفت آخروی از دست خواهد داد.

خداوند متعال در تعالیم فوق‌الذکر بر خیانت‌های چشم و اندیشه‌های نهانی دل‌های مردم آگاه است. او بارها به آدمیان گوشزد نموده که آنان را در روز جزا ملاقات خواهد نمود. در روزی که تمامی اعضا و جوارح انسان بر اعمال او گواهی خواهند داد. چنین آموزه‌هایی برای تقویت نظارت و کنترل درونی انسان ارائه شده است. حاصل این نظارت درونی، پاداشی است جاودان و آخروی که انسان از آن منتعم خواهد شد. البته در دنیا نیز پاداش‌های نیکی دریافت خواهد نمود. پس انسان در داد و ستدی با خداوند منان قرار گرفته است و کسی برنده این معامله است که کم‌ترین هزینه و بیشترین سود را دریافت نماید. به عبارتی دیگر کمترین گناه و بیشترین پاداش را کسب کند.

جورج هومنز در نظریه مبادله اظهار نموده که انسان‌ها در زندگی روزمره خود در داد و ستد با یکدیگر قرار دارند. وی معامله‌ای را موفق می‌داند که در آن کمترین زیان و بیشترین پاداش وجود داشته باشد. هومنز برای تبیین نظریه خود سه قضیه مطرح کرده است. نخست قضیه موفقیت که بر اساس آن هر عملی که پاداشی برای فرد در پی داشته باشد توسط آن فرد تکرار خواهد شد. دوم قضیه انگیزه یا محرک که مؤید آن است هر محرکی در گذشته منجر به پاداش شده باشد احتمال پاسخ دادن فرد به آن محرک بیشتر خواهد بود. و سوم، قضیه محرومیت که بیانگر آن است هرچه فرد اخیراً پاداش معینی را بیش‌تر دریافت کرده باشد، آن پاداش ارزش کم‌تری برایش پیدا می‌کند به عبارت دیگر، رفتاری که فرد بابت آن دائماً پاداش می‌گیرد منجر به آن می‌شود که پاداش فوق‌ارزش خود را از دست بدهد، زیرا سهل‌الوصول تصور می‌شود.

در عرضه قضایای هومنز با مفاهیم مربوط به مبادله و نظارت درونی در قرآن کریم و متون روایی، محققین بدین نتیجه رسیدند که پیش‌تر از هومنز، این مفاهیم و مبانی نظری به صورت کامل‌تری در متون یادشده مطرح شده‌اند. خداوند متعال با استعارات و تمثیلات مختلف در توصیف کسانی که آخرت را به دنیا فروخته‌اند اظهار نموده «فَمَا رَبَّحَت تَّجَارَتُهُمْ» (بقره: ۱۶) آنان در این معامله نفع و سودی نبردند. بارها در متون قرآنی و حدیث به زیانکاری افراد اشاره شده است. در متون مذکور به کرات از نعمت‌ها و پاداش‌های خداوندی برای تشویق انسان به نیکوکاری یاد شده است. بارها به محرک‌ها و انگیزه‌های درونی ایجابی که فرد را به سمت صلاح و نیکوکاری پیش می‌برند و انگیزه‌های شیطانی و سلبی که محرک فرد برای گمراهی است اشاره شده است. و نیز به حضور قلب در انجام عبادات و مناسک و نیت خیر داشتن و پرهیز از عادت‌های عبادات و باورها تأکید گردیده است. تمامی این موارد، مختصری از قضایایی هستند که هومنز آن‌ها را مطرح نموده است. در پایان ذکر این نکته ضروری است که بهره‌گیری بیشتر از پاداش، برآیند نظارت و

کنترل درونی است. و این آموزه‌ای است که در قرآن و متون روایی بارها تکرار شده و هومنز نیز به آن اذعان نموده است.

مقایسه ابعاد نظارت درونی براساس مدل جورج هومنز و قرآن و حدیث (منبع: یافته‌های تحقیق)

مبنای قرآن و حدیث	مبانی مدل هومنز	تعاریف	قضایا
هدمندی در زندگی نظم و انضباط تاعتماد به نفس صبر و استقامت دوری از گناه اخلاص	رفتار برابر با قضیه موفقیت، سه مرحله دارد * مرحله اول: کنش یک شخص * دوم: نتیجه همراه پاداش * سوم: تکرارکنش اول یا مشابه آن عمل در زمان حال	قضیه موفقیت؛ هر عملی از یک شخص اگر مورد پاداش قرار گیرد، احتمال تکرار آن عمل به وسیله همان شخص افزایش می‌یابد	قضیه موفقیت
تشویق وعده پاداش توکل به امید به خدا برنامه ریزی صحیح خوش بینی	متغیر اصلی در این قضیه: اول: درجه مشابهت میان انگیزه حال. دوم: درجه مشابهت، میان انگیزه گذشته است.	قضیه محرک؛ اگر در گذشته، وقوع وضعیتی مشخص سبب شده است که فعالیت فرد به پاداش منتهی شود، هرچه وضعیت کنونی شبیه گذشته باشد احتمال اینکه فرد به همان فعالیت مشابه آن دست بزند زیادتر است.	قضیه محرک
معصیت و نافرمانی کفر و انکار حق ظلم و ستم نفاق کفر	هومنز در رابطه با قضیه سیری دو مفهوم اساسی مطرح کرده است: ۱. خسارت ۲. سود	قضیه محرومیت یا اشباع؛ یک شخص هرچه در گذشته نزدیک پاداش معینی را بیشتر دریافت رده باشد، همان پاداش در آینده برایش کم ارزش‌تر خواهد شد.	قضیه محرومیت

## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ ترجمه محمد، دشتی: قم: موعود اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش..
- آمدی، غررالاحکم و درالکلم، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش
- امینیان، محمد علی، «مبانی اخلاق اسلامی»، انتشارات دانشگاه گیلان: ۱۳۷۵ ش.
- امیری، علی نقی، نگاهی جامع به خودکنترلی در سازمان، فرهنگ مدیریت، سال دوم، ش ۷، ص ۱۵۳-۲۰۴، ۱۳۸۳ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق: غفاری، علی اکبر، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان، ج ۱، ص ۲۶، انتشارات نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
- احمدی، علی، نقش ارزشهای اسلامی در نظارت و کنترل سازمان، نشر تولید دانش، ۱۳۸۲ ش
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- الوانی، سیدمهدی، مدیریت عمومی، تهران: انتشارات نی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۹ ش.
- ایران‌نژاد پاریزی، مهدی، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۷۸ ش.
- ادیبی، حسین، انصاری، عبدالمعبود (نظریه‌های جامعه شناسی)، تهران: ۱۳۹۱ ش
- برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالاحکم و درالکلم، ترجمه و شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران: ۱۳۶۶ ش.
- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: سمت، ۱۳۸۶ ش.
- تنهایی، ابوالحسن، نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: ۱۳۸۷ ش.
- جوکار، افشار، ولی، کنترل پایبندی، تدبیر، ۱۴۳، فروردین، ۱۳۸۴ ش.
- حرعاملی، محمد ابن حسن، تفصیل وسائل الشیعه‌الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه اهل‌البیت<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۹ ق.
- خیری، طاهر، خود کنترلی در سازمان، تدبیر، ۱۳۸۲ ش.
- خواجه‌وند صالحی، حسن، نقش خودکنترلی در بهره‌وری سازمان از منظر قرآن. مطالعات قرآن و علوم، سال ششم بهار و تابستان ۱۴۰۱.
- جولوس گولد، ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر پرهام، چاپ سوم، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۹۲.
- دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، به کوشش غلامرضا ستوده و همکاران، تهران، دانشگاه تهران: ۱۳۸۵ ش.
- رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۹ ش.

- ریتز، جورج، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثالثی، تهران: ۱۳۸۰ ش.
- زارعی، متین، «مبانی سازمانی و مدیریت، تهران»، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۸۰ ش.
- سجادی، سیدعلی، خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی، اندیشه صادق، ش ۲۳، ۱۳۸۵ ش.
- سالاری، محمود، کاربست نظریه مبادله در توسعه فرهنگ مطالعه تحقیقات، ۱۳۹۵ ش.
- سانتراک، جان، روان‌شناسی تربیتی، ص ۵۸۰، ترجمه مرتضی امیدیان، یزد، دانشگاه یزد: چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- شجاعی، محمدصادق، دیدگاه‌های روان‌شناختی مصباح‌یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.
- شکوهی تبار، محمود، و سلیمی، علی، بررسی تفسیری سازوکارهای درونی تأثیر نظارت خدای متعال در پیشگیری از کجروی. مطالعات تفسیری، ۱۳۹۹ ش.
- صادقپور، ابوالفضل، نظریه جدید سازمان، مدیریت و علم مدیریت، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۵۳ ش.
- صدر، سیدمحمد باقر، عمل صالح از دیدگاه قرآن، ترجمه جمال موسوی، تهران: روزبه، ۱۳۵۹ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، نشر، تهران: رجا، ۱۳۶۷ ش.
- صدوق، محمدبن علی، الامالی، ناشر: نسیم کوثر - قم ایران. سال نشر: ۱۳۸۹ ش.
- صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامی - قم: ایران، ۱۳۶۳ ش.
- عاصمی پور، محمدجواد، مدیریت پروژه، تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
- فروزنده، لطف الله، نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی، مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، ش ۵۳، ۱۳۸۵ ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.
- کریمی، یوسف، روانشناسی تربیتی، تهران: ارسباران، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، به اهتمام محمدحسین درایتی، قم: مرکز بحوث دارالحدیث، قسم احیاء التراث، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
- کالالی، مقدم (بررسی پروژه‌های اقتصادی و اجتماعی در توسعه مناطق محروم در شهرستان تربت جام، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۲۹۲۶.
- کونن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی (ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل)، تهران: سمت، ۱۳۷۳ ش.
- لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی تربیتی، تهران: سمت، ۱۳۸۶ ش.
- مورتی، کریس، چالش‌های مدیریت در هزاره سوم، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی و عادل سعادات احمد پو، تهران: مدیران، ۱۳۸۹ ش.
- معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات زرین زبان فارسی، تک جلدی، ۱۳۸۶ ش.
- معلوف، لوئیس، المنجد، لبنان: دارالمشرق، ۲۰۰۰ م.
- مصباح یزدی، محمد تقی، دروس فلسفه اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴، ناشر، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، انتشار

چاپخانه خورشید، ۱۳۶۵ ش.

- معصومی، سیدحسین، نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام. چاپ چهارم، تهران: سروش هدایت، ۱۳۸۸ ش.
- محمودیان، حمید؛ ساجدی، علی محمد و فقیهی، طاهره بیگم، نظارت و کنترل از نگاه مدیریت امام علی<sup>(ع)</sup> (رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۳۹۴ ش
- محمدی‌ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز نشر قم: ۱۳۸۴ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۴۶۳، مؤسسة الوفاء، بیروت: ۱۳۰۴ ش.